

بهای اشتراك

سالیانه ۲۰۰ ریال
در کشور
ششماهه ۱۰۰ >
سه ماهه ۵۰ >
در خارج با اضافه اجرت پست

آئین اسلام



صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
حضرت آیت الله العظمی

خیابان فردوسی
محل اداره
کوچه سام
تلفن ۸۹۱۹

بهای هر يك شماره ۴ ریال

فعلا روزهای شنبه منتشر میشود

سال اول شماره اول اول فروردین ۱۳۲۳

کارکنان روزنامه آئین اسلام
سال نو را بعموم ایرانیان
تبریک میگویند و امیدوارند
همگی در پرتو اتحاد و زیر
لوای با عظمت اسلام قرار
گرفته و یکبار دیگر بهار مجد
و عظمت را تجدید نمایند.

بقلم یکی از دانشمندان بزرگ

آئین اسلام

هفته نامه آئین اسلام که امروز روز
میلاد مبارک آنست برای مقصود مقدسی بعالم
وجود پانهاده میخواهد حقایق اسلام را بی
پرده و پیرایه در نظر دانایان و حق جوینان
جهان جلوه دهد میخواهد ابرهای تعصبانی
که از دماغهای تاریک دور اسلام تشکیل
شده بود پراکنده ساخته آفتاب اسلام
حقیقی را درخشان سازد و میخواهد نشان
دهد که آئین اسلام حقیقت است و هر حقیقت
و علمی آئین اسلام است میخواهد ثبوت
رساند که در اسلام تعبدیات عین عقلیات است
و آنانکه از کوتاهی فهم خود تعبدیات اسلام
بقیه در صفحه ۲

مرام ما

روش ما اظهار عظمت اسلام و مرام ما ترویج این آئین مبین است تنها آرزویی
که داریم اینست که بتوانیم بعالم اسلامی خدمتی کنیم و اخلاق و اطوار و آداب اسلام
را گوشزد عالمیان و مخصوصاً عامیان نمائیم.
مادر این وقت که خامه بدست گرفته و بدین خدمت همت گماشته ایم از مسئولیت سنگین
خود در راه نامه نگاری آگاه هستیم و میدانیم يك نفر نامه نگار که بخواهد از روی ایمان
و عقیده در راه اصلاح اخلاق جامعه ای قدم بردارد باید باچه مشکلاتی مواجه شود
مخصوصاً در محیطی که مدتهاست معالم دین منهدم شده و آثار آن مندرس گردیده و
مشتی تعالیم فرعی که آلوده بخرافات است جایشین حقایق شده است ولی چون با
نیتی صادق و قلمی بی آلابش و دلی پاک از هر گونه هوس و مملو از حب اسلام قدم در
این راه نهاده ایم کمال امیدواری را بموفقیت خود داریم و آن روز را بخود نوید میدهیم
که مشاهده کنیم ایرانی یکبار دیگر در تحت لوای مقدس اسلام و تعالیم آن یا بدائره ترقی
و تعالی نهاده و وحدت ملی خود را که از چندین قرن باین طرف متکی بر دین بوده است
باز بدست آورده.

بدین جهت مرام خود را احیاء معالم دین نهاده ایم زیرا برائرمطالعه و تتبع در
تاریخ سلف بر ما ثابت شده است که شرق عموماً و ایران خصوصاً باخدا پرستی و دین داری
زیسته و سعادت و خوشبختی این ملت در آن ادواری بوده است که از روی عقیده و
ایمانیکه در پرتو دین در آنها تولید شده است دست اتحاد و یگانگی بهم داده اند.
در آن روزگار که ایرانی متخلق باخلاق اسلامی بوده مفهوم مبین پرستی و اطاعت
از اولی الامر را میدانست و دفاع از مبین و پیروی از اولیاء امور را بر خود فرض
و واجب میشمرد در آن روز وفای بعهده و مواظبت بر نظافت و رحم بر زیر دست و کوشش
در احسان و مسابقه در دستگیری از ضعیفاء و سعی در خیرات و میرات و احداث باقیات
صالحات را در پرتو دستورهای اسلام فرا گرفته بود. درستی و راستی و امانت و عفت را
در آن مکتب الهی خوانده و از روی میل و شوق و عشق بدان تعلیم عمل میکرد و در
سایه همین کردار و اعتقاد قرنهای در کمال سروری و بزرگی میزیست.
بقیه در صفحه ۲

اثر طبع آقای محمد علی ناصح

بقیه از صفحه ۱ آئین اسلام

را مقابل عقلیات قرار داده اشتباه کردند سنائی غزنوی در قرن پنجم هجری خطاب به پیغمبر (ص) عرض می کند (دین تو را دری آرایشند - دری آرایش و پیرایشند بسکه به بستند بر او برك و سازگرتو بیائی شناسیش باز) قرن چهاردهم راقیاس فرماید معنی لفظ آئین اسلام محدود به قوانین عبادات یا معاملات یا حدود و دیات نیست بلکه هفتاد بطن دارد تمدن و علوم و آداب و اخلاق اسلامی هم که کمک گرانبهائی به ترفیع تمدن و علوم و تکامل بشر کرده در بطون آن جمع است لفظ آئین اسلام مانند سوراخی است که در باغی پر از گلهای میوه ها و سبزه و درخت و فواره ها و جویبارها باشد از دور جز سوراخی نیست اما چون چشم بر آن نهی باغی چنان دلگشایی.

یامانند حذقه چشم است که حلقه ای بیش نیست اما آسمان با ستاره گان و زمین با آثار آن در آن هویدا است - آرزو داریم تاسیس این جریده کمک به تکامل بشر و خدمت بتمدنی باشد که مشترك تمام ملل است - پس جادارد که دانایان تمام ملل و نحل و ادیان با این نامه هم کاری کنند و مقالات علمیه برای درج بفرستند ، قریباً فرقه برادر اسلام با هم قهر بودند امیدواریم در بر تو آئین اسلام آشتی کنند - سبب قهر اختلافات جزئی است که از سوء تفاهم پیدا شد، و رفع آنها ممکن است - آئین اسلام آئینه حقیقی است که مربی بشر و نگاهدار فرهنگ انسانی و فرا بنده دانش و بینش است - امیدواریم آئین اسلام نماینده توحید حق تعالی و فرهنگ اسلامی یعنی دانش و اندیشه و گفتار و رفتار و آثار پاك دانایان اسلام برای خوانندگان باشد.

نوروز

نوروز در رسید بهمانی جهان
زینگونه میهمان گرامی کسی که دید
یا دست رنج سال گذارد بچند روز
آری چسان عزیز نباشد کسی که هست
وز دست زورمند بهم در شکست خرد
وانگونه زوگر بخت زمستان شوم پی
گیتی که بود پیر دژم روی سالخورد
اکنون گرفت پرده زرخسار دلفرب
بگشود بر سرود خوش غنایلب گوش
وان نغزگوی بلبل از باغ گشته دور
باز آمد و برسم ره آورد بهر وی
فصل گلست مطربوی خواه کاین دوهست

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه اول

مرام ما

ما معتقد هستیم برای تهذیب اخلاق يك ملت و تلقین درس مین پرستی بهتر و جامعتر از دستورهای دینی نیست. بالاتر از این در تعالیم دینی رمزی است که بشرح نمیايد و تاکنون هیچ قانون و تعلیمی قادر نبوده است يك پلیس باطنی مانند قوانین آسمانی در نهاد بشر ایجاد کند که در همه جا و همه حال با او بوده و مراقب اعمالش باشد و از هر عمل زیان آوری او را باز داشته و براه خیرش دلالت کند بدیهی است تمام تعالیم آسمانی نیز یکسان نیستند و آنکه از همه کاملتر است سودمند تر و مؤثرتر میباشد قدر متیقن آنکه دین اسلام کمال و شایستگی خود را بر تمام جهانیان ثابت نموده است پس تخلق با اخلاق اسلامی و اجرای دستورهای آن برای موفقیت در زندگانی بشری صاف ترین شاهراهها میباشد اما بشرط آنکه همان اسلامی باشد که مروج عدالت و داعی برای فضیلت و متمم اخلاق نیکو است - آن اسلامی باشد که برابری و برادری را مقرر داشته و برتری را فقط از راه فضل و تقوی دانسته آن کیش پاکی که دعوت بدانش و معرفت و شناختن خدای یگانه مینماید. آن آئینی که کوشش را سرمایه ترقی بشر دانسته و تمام افراد جامعه انسانی را دعوت بصلح و آرامش و اتحاد مینماید همان اسلامی که متابعت از تعالیمش امروز دوی درد های اجتماعی این جهان سرگردان است.

آری مرام ما اینست که در راه احیاء اصول این دین بکوشیم و امیدواریم موفق شویم و با قمشه ای که برای پیشرفت این منظور برای خود دکشیده و با کمک نویسندگان مطلع و دانشمندی که آثارشان در این نامه بنظر خوانندگان خواهد رسید کمال امیدواری را بانجام مقصود داریم علاقمندان باسلام از بذل مساعدت و همکاری دریغ فرمایند.

نوریانی

بقیه از صفحه ۲

نوروز

یعنی باغ رو که کند هست و سرخوشت
بردش ز سر خمار می شب هوای باغ
برطرف جو بنفشه تازه است دلفریب
چون روی دلبری ز شراب صبح مست
یک لاله درنگر که بدامان کوهسار
افروخت شمع لاله خودروی از نسیم
بوز فرق شاهدان چمن در نثار کرد
ماند جهان بجنّت فردوس گوئیا
رفته نسیم باد ز صحن چمن غبار
مانا قران سعدین آمد کز اتفاق
نوروز عام را نبود این همه بها
نوروز خاص راست بلی این اثر کزو
روز ولادت سرو سالار انبیاست
دارای دین محمد مرسل که پیشوی
آن امی فصیح که از سحر حکمتش
و آنانکه اوستاد و خداوند دانشند
وقتی که داشت تیرگی چهل چیرگی
او بر فراشت رأیت توحید بر سپهر
بر وی رسیده رنج ز گولان بی ادب
او در دعا بدرگه دادار کائنات
بنمای راه راست بدین مردم و مگیر
اینک ز من شنو سخنی چند از آنکه گفت

دست خدای همره و یار جماعتست
آن آگه از حقیقت ایمان بود که هست
ز نهار هر چه را نپسندی بخوشتن
بر ناتوان ببخش که بخشایند خدای

ای مسلمین که باد شمارا پناه و پشت
از اتفاق دست مدارید که اتفاق
در کارزار دهر نیاید ظفر بدست
احسان کنیند ز آنکه نکو کار بهره یافت

ای آفریدگار و خداوند دادگر
تأیید راستی ده و توفیق بندگی

لطف نسیم و نغمه مرغان نغمه خوان
ترکس ز خواب صبح چو برخواست سرگران
مانند زلف یار بر خمار دلستان
آید بدیده چهره گلگون ارغوان
یک ره بین که بر طرف دشت و بوستان
گسترده دست باد صبا سبز پرینان
ابری که برد آب ز دریای بیکران
رضوان در بهشت گشوده است بر جهان
شته سحاب گرد ز رخسار گلستان
نوروز خاص و عام بهم یافت اقتران
وین روشن است نزد بزرگان خرده دان
آید برقص در تن دهر از طرب روان
نوروز خاص خرم و فرخنده بر جهان
دارند رانسان سر خدمت بر آستان
هر گوهری که زاده از گنج شایگان
در مکتب حقایق اویند عشر خوان
روزی که بود شرک بر آفاق حکمران
زو جان علم یافت دل مرده جهان
زان بیشتر که وهم من و تو بردگمان
کای آشکار پیش تو راز و نهان عیان
بر جاهلی دو سود ندانسته از زبان
گوشنده بیان وی از وحی ترجمان

هان دور شو ز تفرقه با جمع توأمان
دل با زبان او بهمه حال هم زبان
گر مؤمنی بخواه روا بر برادران
اتفاق کن ز خواسته خویش تا توان

دست خدای از فتن آخر الزمان
باشد که نیک بختی ما را کند ضمان
گر اتفاق را نبود پای در میان
هم از نعم دهر و هم از نام جاودان

مارا بفضل خود زدر فضل خود مران
وز ترک ساز فتنه ایام و ارهان

بقلم آقای محمدعلی خلیلی

تربیت دینی

بشر بالطبع سرکش و خودخواه و
ذهوت ران و متعدی است. با آنکه استعداد
هزار گونه ترقی را دارد و آماده تربیت و
فرا گرفتن دانش است جاهل میباشد او
هیچگاه تکلیف خود را ندانسته است آنچه
طبیعی اوست جلب نفع و دفع ضرر است و
از این راه برای احراز برتری و تأمین سود
و قدرت بر دفع زبان بتمام وسایل متوسل
میشود و چون نیرومند باشد همان نیرو را
وسیله تعدی و دست اندازی بر حقوق دیگران
قرار میدهد بهمین جهت است که این وجود
عجیب که بالقوه هم فاسد است هم مصلح
هم دانشمند است هم جاهل هم خیر خواه
است و هم بد خواه هم مهربان هم قسی -
القلب و بیرحم و درنده باید در تحت تربیت
قرار گیرد و راهنمایی شود منظور از این
تربیت این است که پرده نادانی از برابر
چشمش برداشته شود بمصالح خود آشنا
گردد و وظیفه خود را نسبت بخدا و خلق
و مبین و جامعه بداند حدود خود را بداند
و قدر خود را بشناسد بمال و بناموس سایرین
تعدی نکند و از حدود خود تجاوز ننماید
باین معنی که مربی بشر باید صفات بدو زبان
آورد را از او دور بدارد درنده خوئی و خود -
خواهی را از نهادش برطرف سازد و صفات
و اخلاق حمیده را بقدری در او پرورش دهد
که وجودش خیر محض باشد و یک وجود
سودمندی گردد.

بی شک و شبهه تمام بزرگان جهان که
در راه تربیت بشر قدم برداشته و برای تعلیم
او کوشش نموده اند جز این منظور نداشته
اند و بشر نیز در بر تو همین تعالیم است که از آن
عوالم پست بمقامی که فعلا دار رسیده است.

هم آهنگی اجتماع

بقلم آقای راشد

افراد جامعه هنگامی باهم الفت میگیرند که از حیث فکر و عقیده و معاش به یکدیگر نزدیک باشند دین اسلام همین کار را میکند یعنی از افراط و تفریطی که در جامعه ما پیدا شده بواسطه عمل نکردن بدستورهای صحیح دین اسلامست. مادر گفتارهای خود هرگاه میگوئیم دین اسلام مقصود اسلام صحیحی است که پیغمبر آورده.

بر کشور ما در طی قرنهای گذشته حملهها شده و در آن سیاستهای مختلف پدید آمده که هر سیاستی آنچه را سیاست پیش از آن رشته بوده است پنبه کرده و برخلاف آن راه دیگر پیش گرفته. در همه این احوال دین اسلام همچنان باقی و عبادتش برجا و اکثریت مردم این سرزمین در جهات عبادتی و خدا پرستی خود پیرو دستورهای مقدس آن بوده اند در همه حال قرآن کریم تلاوت میشده و میشود مساجد برپا بوده و هست و علماء دینی پیوسته بوده اند و هستند و کتب دینی نوشته میشده و میشود. سیاستهای گوناگونی هم که تا کنون پدید آمده غالباً برنگ دین بوده هر سیاستی تا درجه ای دین را بعمل خود تفسیر می کرده و مقداری بدین نزدیک میشده و معجونی مخلوط بوجود میآورده است. تا این زمان که هر يك از سیاست و دین راهی جدا گرفته و در نتیجه انواع اختلافات ظاهر شده اختلافات ظاهری اختلافات فکری و اعتقادی و معاشی تا حدیکه نزدیک است جامعه هم آهنگی خود را از دست دهد و میان پدران و پسران و مادران و دختران و نادانان و دارایان و ناداران منافرت و اختلاف پدید آید.

اکنون چند مقدمه باید دانسته شود. یکی آنکه این اختلافات و پراگندگی فکری و اعتقادی که در ما پیدا شده تقصیر دین اسلام نیست بلکه تقصیر سیاستهای گوناگون است که ما داشته ایم. عبارت دیگر دین ما را خراب نکرده ما دین را خراب کرده ایم و تا ما چنین باشیم هر آئین و قانونی را خراب خواهیم کرد.

مردمیکه قانون آسمانی را که وضع و رفعت بدست آنها نیست خراب کنند یعنی بر طبق آن رفتار نکنند و آنرا بمیل خود توجیه و تاویل کنند آیا قانون زمینی را که خودشان وضع میکنند درست بکار خواهند برد؟

دوم - آنکه دین اسلام دین متوسط است و دارای دستورهایی است که جامعه معتدل و یکنواخت و هم آهنگ بوجود می آورد. این مدعا شواهد بسیار دارد از علم و از عمل: شاهد عملیش جامعه صدرا سلام است که تحت تعلیمات این دین بوجود آمد جامعه ای بود هم آهنگ همه افراد آن دارای يك عقیده و يك طرز فکر و در معاش نزدیک یک دیگر همه باهم مهربان و متحد و برادر و بهمین جهت بر جامعه هایی که هم آهنگی را از کف داده بودند و اختلافات فکری و عقیده ای و معاشی در آنها زیاد بود غالب شد و فاتح

بقیه در صفحه ۵

قریت دینی بقیه از صفحه ۳

در میان این روشهای تربیتی روش دینی و در میان این مربیان پیغمبران مؤثر تر بوده اند زیرا بشر از روز اول بانها اعتقاد عجیبی داشته و بماوراء الطبیعه توجه نموده و چون نمیدانسته است درس آن پرده چه چیزهایی نهفته است بیم و هراس از آن در دلش بوجود آمده است و در هر حال که بوده و هر اعتقاد و مبدای که داشته در سخت ترین ساعات و دشوارترین موانع بدون آنکه ملتفت شود بآن مبداء مرموز متوجه شده و اصلاح کارهای خود را از آن مصدر خواستار گردیده است بالاخره چون ماوراء الطبیعه در نهاد و روح بشر تاثیر خاص داشته است نفوذ در او از آن راه بهتر و سودمندتر و مؤثر تر بوده و تعالیم و دستورهایی که مصدرشان از آجا است زودتر مورد قبولش واقع گردیده و یکسانی که از آن سوی فرستاده شده اند با چشم دیگری نگاه کرده و اوامر آنها را پذیرفته و وقتی آن اوامر و تعالیم را از روی عقیده پذیرفت بطوری در نهادش متمکن میشود که بایک قوه عجیبی بدون هیچ مقاومتی در صدد اجراء آنها برآمده است بالاخره تعالیم پیغمبران بیش از هر تعلیمی در بشر تاثیر داشته و هنوز نمیتوان گفت چه رمزی در کار است که این تاثیر را باین تعالیم داده است و با آنکه مدینیت قرن بیستم بشر را پایه ای رسانده که بر قوای طبیعت حکومت میکند و عقل بجائی رسیده که خوب و بد و سود و زیان را تشخیص می دهد و علوم و معارف و قوانین و تشکیلات بشری بصورتی درآمده که با سطح مدنیت و دانش او مساوی است با وجود این هنوز تعالیم دینی و گفته های پیغمبران بقوت

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۴

هم آهنگی اجتماعی

در آمد. سر غلبه مسلمین هم آهنگی و اعتدال آنها بود و سر مغلوبیت حریفانشان در همه جا عدم اعتدال و نداشتن هم آهنگی. شاهد علمیش آیات قرآن و سنت پیغمبر و آثار اصحاب پیغمبر و ائمه دین است که همه در دست است و خوشبختانه کلمه ای ازین نرفته و بسیاری از این آیات و اخبار را خوانندگان مکرر شنیده اند.

سوم - آنکه ما احتیاج بدین داریم یعنی همانطوریکه در مردم غریزه احتیاج آب و نان هست غریزه خدا جوئی و حس خداپرستی نیز هست. اگر مردم خدای پاک معرفتی نشود و دستورهای صحیح داده نشود از سنک و چوب بت خواهند ساخت و خرافاتی بنام دین و خدا پرستی بوجود خواهند آورد. هر چیزیکه در وجود خود مردم مبدأ نداشته باشد نمیشود بر آنها تحمیل کرد مثلاً. عشق اگر در وجود خود مردم مبدئی نیست کسی نمیتوانست بر آنها تحمیل کند. اصلاً کسی بفکر نمی افتاد که راجع بآن سخن گوید اگر کسانی بدروغ و تصنع اظهار عشق یا دینداری کرده اند پس از آن بوده که اشخاصی بر است این اظهار را کرده و اینها از آنها تقلید کرده اند و گرنه تا راستی نباشد ممکن نیست دروغی بوجود آید. باری مقصود اینست که چون در مردم غریزه خدا جوئی هست و میخواهند با آفریدگار خود راهی داشته باشند بهتر اینست که از همین غریزه برای تربیت اخلاق و اصلاح اعمال آنها استفاده شود.

ذات اقدس حق تعالی که منزله از همه نقائص و مبدء همه کمالات است بآنان معرفی شود تا طالب خیر و کمال شوند و دستورهای خدا پرستی و دینی طوری بآنها داده شود که اعمال آنها را اصلاح و زندگیشان را منظم سازد و اگر از دین این استفاده نشود عکس آن خواهد شد یعنی غریزه خدا جوئی که از مردم سلب نخواهد شد از همان غریزه شیادان و خائنان استفاده خواهند کرد و آنان را بجای خدا پرستی بت پرستی تعلیم خواهند کرد عوض اینکه بوسیله خداشناسی روح آنها را روشن و فکرشان را بلند و قلبشان را پاک گردانند برعکس فکرشان را پست و روحشان را تاریک و قلبشان را آلوده خواهند ساخت و بجای آنکه دستورهای صحیحی از این راه بآنها دهند که در زندگی دنیا و آخرت سعادتشان کند آنان را بکارهایی وخواهند داشت که بر بیچارگی و بدبختی دنیا و آخرتشان تمام شود چنانکه کاهنان و رمالان و حقه بازان و فالگیران و نقالان کرده اند و میکنند.

مقدمه چهارم - آنکه دین مقدس اسلام این منظور را یعنی توجه دادن مردم را بخدا و منزله ساختن خدا را از همه نقائص و اسناد دادن همه خویها و کمالات را بخدا و وضع دستورهایی که مردم را در جسم و روح دنیا و آخرت منظم و سعادت مند گرداند بکاملترین وجهی انجام داده.

مقدمه پنجم - اینست که تعلیمات قرآن زنده است و قرآن در هر زمانی میتواند مردم را براه راست آورد. قبول است که در دین اسلام بدعتها و گمراهیهای پدید آمده یعنی مغرضین ایجاد کرده اند ولی طوری نیست که اگر کسی طالب حق باشد نتواند حق را بیابد و تشخیص دهد بلکه قرآن و سنت پیغمبر باندازه ای گویاست که غافل را متنبه و نادان را

پنجم آقای اسمعیل مرتضوی برازجانی

بزرگترین مصلح کیست ؟

اگر بخواهیم مصلحین گیتی را بایک دیگر مقایسه کنیم و خدماتیکه هر يك بنوبه خود بجامعه بشری کرده اند از نظر بگذرانیم تا معلوم گردد کدام يك در راه اصلاح و هدایت بشر بیشتر رنج برده اند و در نتیجه دنیا از وجود آنان زیاده تر بهره مند شده است باید دو چیز را مورد توجه قرار دهیم یکی مقدار سادیکه در آن جامعه رواج داشته دیگر اندزه موقیبتی که در راه بر انداختن بنیاد تباهی و ناباکی نصیب مصلحین اجتماع گشته است.

تاریخ بهترین گواه صادق است و هر جا تاریک باشد درین مورد بخصوص هیچگونه ابهامی ندارد که در چهارده قرن پیش جامعه - ای فاسد و ترو تها از جامعه مردم جزیره العرب نبوده است که نه از فضایل اخلاقی اثری بود و نه از علائم مدنیت خبری هر چه را که شما از ظواهر تمدن و کمال میدانید ضد آن در آن دوران حکمفرما بوده است و اگر بخواهیم یکایک آنها را شرح دهیم باصطلاح مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

پس از ذکر این مقدمه باید دانست که وظیفه يك مصلح اجتماعی چیست ؟ و در راه

بقیه از صفحه ۴

خوب باقی است و نفوذی که آنها در نهاد بشر دارند هیچ قانون و تعلیمی ندارد و هنوز بآن تعالیم و آوینندگان آنها با چشم قدس نگاه میکنند و هنوز بشر در مواقع سخت بهمان مبدء که این تعالیم را فرستاده توجه مینمایند و بآنکه قرنهای عمر آنها میگذرد باز سعادت را در پرتو آنها دانسته و اینهمه تشکیلات و علوم و معارف و قوانین را که دست بشر به وجود آورده مایه بدبختی خود میدانند و از همین جا است که میتوان گفت برای تربیت بشر و برای ایجاد سعادت حقیقی در این جهان هیچ تربیتی بهتر از تربیت دینی نیست. بشر باید متدین باشد تا روی خوشبختی را ببیند.

بقلم آیت الله آقای محمد باقر بروجردی

نهضت اسلام

این کلمه بسیار بگوش خوانندگان محترم آشنا و صدها سال است زبان زده مردم مسلمان و غیر مسلمان است و ممکن است کسی که بطور عادی این کلمه را بشنود یاد سر لوحه مقاله بینداین قدرها مجنوب و فریفته آن نگردد که رغبت کند وقت خویش را بخواندن مقالات بسیار و مفصلی که در زیر مندرج میشود صرف کند.

ولی ما میخواهیم باینک تفسیر تازه علمی و منطقی در موضوع نهضت اسلام گفتگو کنیم که نسبتاً بی سابقه و بسیار دقیق است و خواننده پس از خواندن و تأمل تصدیق می کند با فکر تازه و روش و منطق خوبی بنفاد این کلمه برخورد کرده و این عنوان مکرر را باین نظریه عنوان ابتکاری و پرفائده ای تلقی خواهد کرد.

این کلمه در گوش هر دسته از آشنایان و معتقدان ببنیاد اسلام از دوست و دشمن و بیطرف یک معنی میدهد.

توده بزرگی از مسلمانان که منطق اسلامیت آنها تربیت خانوادگی و وضع محیط است همیشه نهضت اسلامی را یک قیام الهی و فشار نیروی غیبی تفسیر میکنند و میگویند خدا خواست مردم را هدایت کند پیغمبری برانگیخت و با یک نیروی شگرف و معجزه دشمن شکن عقل درمیدان دعوت اسلامی قدم گذاشت و در برابر دشمنان خود مقاومت کرد تا کار خود را انجام داد و بهین مناسبت برای همه موقیتهایی که نصیب پیغمبر شده دنبال یک معجزه و عامل غیبی میکردند و از روز قیام بدعوت تا وقت مرگ بلکه از وقت زایش و بعضی از وقت ایجاد عالم برای آنحضرت معجزه هائی معتقدند و در برابر اینکه این پیغمبر بزرگ آنها را بر احق هدایت کرده هر ساعت طبعهائی از معجزه تبارش میکنند.

این عقیده در توده ساده لوحان اسلامی از ملا و عامی خصوص از قرن سوم تا کنون تا اندازه ای عمومیت داشته و بهین مناسبت بزرگترین علماء و محدثین هر فرقه از فرق اسلامی کتاب های ضخیم و مجلدات بسیاری در این زمینه گرد آورده و رنج بسیار کشیده اند تا از گوشه و کنار کارهای فوق العاده ای که از آنحضرت صادر شده بدست آورده و اهمیت خود را ببزرگی کتاب و بالابردن شماره معجزات اثبات نمایند و وقتی میخواهند خود را یک شخص بسیار دقیق حق جو و حق گو معرفی کنند بیشتر متوجه تعدیل و توثیق و درستی مدار کی می باشند که این معجزات را از آن نقل کرده اند.

و فور اینگونه کتب و نظر احترامیکه بمؤلفین آنها در نزد همه فرق اسلامی مشاهده می شود عمومیت و اهمیت بازار این عقیده را ثابت میکند در اوائل قرن سوم اسلامی که ابوالحسن اشعری مبادی تعلیمات اشاعره را پابرجا کرد و حکومت عقل را الفناء نمود و سقوط سلطنت پادشاه کشور انسان را اعلان کرد این مسلک باوج ترقی خود رسید و ما در مقالات خود نام این مسلک را (تورم عقیده) میگذاریم.

این توده بزرگ اسلام همه مقاومت هائی را که دشمنان پیغمبر در برابر آن حضرت بهرج دادند صرفاً بنفاد و لج بازی و ملالت تفسیر میکنند چون بعقیده خود با وجود این معجزاتی که شنیدن آنها پس از صدها سال این عقیده را سخر به آنها بخشید بایست هم عصیان پیغمبر از دیدن آن صد برابر بصدق پیغمبر عقیده پیدا کرده باشند و خاکسار آستان آنحضرت شده باشند.

دشمنان ساده لوح پیغمبر و نهضت اسلامی هم بواکنش این عقیده قیام اسلام را یک شعبه بازی و جادوگری و تسخیر عوام و دروغ بافی تفسیر میکنند و هر چه این دسته از پیروان اسلام بر شماره معجزات میافزایند این ها بهمان اندازه شاره سحر یا دروغ گوئی بیروان را

بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۵ بزرگترین مصلح کیست
بهبود اوضاع و اصلاح احوال باید چه راهی را پیش گیرد تا بقصود نزدیکتر باشد؟ به -
عقیده بزرگان و دانشمندان و آنانکه در علم اجتماع و اخلاق دست دارند بر مصلح است که نظر خود را بدوامر مثبت و منفی متوجه کند بدین معنی که از یک سو با خرافات و مفاسد مبارزه کند و از جانب دیگر بکوشد تا معاسن اخلاقی را جایگزین ذمائم اجتماعی گرداند از یک جهت ریشه فساد را بر کند و از سمت دیگر بفر صلاح افشاند تا بوسیله رفع موانع و ایجاد مقتضیات جامعه خود را از بیراهه براه آورد و از بیابان توحش بآبادانی تمدن رساند بنابر این بزرگترین ناخن و مصلح گیتی آنکسی است که در بدترین اجتماع ظهور کند و در اندک مدتی جامعه عقب افتاده خود را زودتر از همه بمرز نازل مقصود رساند.

اگر تاریخ ۱۴ قرن گذشته را درست بنظر آوریم بدون هیچ شك و تردید اقرار خواهیم کرد که مصداق حقیقی بزرگترین نوابغ و مصلحان گیتی پیغمبر اسلام است. چه آنحضرت میان مردمی پدید آمد که همه بت پرست بودند. فرزندان خود را زنده بگور میکردند. یک زن دارای چندین شوهر بود. قمار بازی و شراب خواری بسرحد اعلی رسیده بود. دزدی و غارتگری از صفات مشخصه مردم عرب زمین بشمار میرفت.

پیغمبر اکرم با همان روش مسلم اجتماعی با استقامتی هر چه تمامتر و تأیید و توفیق خدائی شروع باصلاحات کرد قبل از هر چیز بتربیت (دل) پرداخت زیرا هر کار که از بشر سرمیزند کار دل است اگر آن سرچشمه صافی بود آب زلال بگلوی تشنگان حقیقت رسد و اگر گل آلود بود خار خشک ریزد و مزاج اجتماع را غلیل و بیمار کند.

در نخستین مرحله اصلاح فرمود (همه یگانه شوید و بخدای یکتا گرائید تا رستگار شوید حیف است و بآنند کی تأمل از عقل بدور میآید که انسان ساخته و مخلوق خود را پیرستد. آیا سزاوار است که شما چوبوسنگی را که بدست خود تراشیده اید پیرستید؟) مردم از شنیدن این سخن برآشفتند سپس بتکان آمدند و در اندک مدت زیر بار حق رفتند.

پس از آنکه دل مردم را از لوث شرک پاک گردانید و آنرا آماده و مستعد ساخت که

شرح و ترجمه نهج البلاغه بقلم آیت الله آقای خلیل کمره‌ای

دعوت بصلح

هنگامیکه رسول خدا (ص) جهانرا بدرود گفت و عالم و اسلام دچار تشویش و تشنج گشت ابوبکر زمام امور را بدست گرفت. عباس عموی پیغمبر (ص) و ابوسفیان بن حرب بنزد امیرالمومنین علی علیه السلام آمده تمنا کردند که دست بیعت با او بدهند و امام از آنها نپذیرفت که قیام کند. از تحریک امام کوتاهی نکردند. ابوسفیان بامام (ع) گفت: اگر بمن اذن دهی من این سرزمین را از سواره و پیاده پرخواهم کرد. علی علیه السلام برای جلوگیری از آشوب این دو تن سران قبیله را باین سخنان حکیمانه بصلح و آرامش خواند و افکار رابجنگهای بیپوده و منشاء آنها هشیار کرد.

رقابت قبایلی و فکرهای تعصبی و نژادی را از طغیان بازداشت و فرمود: **ایها الناس**

شقوا امواج الفتن بسفن النجاة - تا آخر خطبه پنجم

شما ای مردم! امواج این فتنه هارا با کشتیهای نجات شکاف دهید و روش مبارزه تان موجی بر موج میافزاید و جز این کار نمیکند ما اکنون بتلاطم گرفتار شده ایم کاری باید که مارا از این تلاطم بگذرانند. زورق نجات. کمر بند نجات. چتر نجات همانا این دو روش معقولانه است که در زیر بان اشاره می کند چنانکه این امواج از اختلاف فرفر خیز و افتخار رقابت برخاسته.

از راهی که اخلاف و تفرقه می آورد باز گردید و از فکر تاجوری و تفرقه فروشی بگذرید -

این روش مفاخرت آمیز و مبارزه موجی بر موجی میافزاید و تلاطمی بر تلاطم میاورد و جز این کار نمیکند ما اکنون که بتلاطم گرفتار آمده ایم کاری و راهی باید که ما را از این تلاطم بگذرانند.

رستگار آنکس آمد که با بال قوی نهضت کرد و با تسلیم بمقدرات شد و خود را راحت کرد -

همان نبوت است و سرچشمه کوثر است که اینک با میختگی آمال و اغراض دیگر تغییر رنگ و بوداده.

آبی است متغیر و لقمه ایست گلو گیر

آبی است تغییر پذیرفته و هر آبی که تغییر پذیرد بدو میشود و این موادی که داخل آن گشته عفونت در او موجود میکند و این لقمه بزرگتر از گلوی اینها است و بالاخره گلویشان را خواهد گرفت. با وضع حاضر و ناپختگی مردم که بحکم هوسبازی مسند پیغمبری را دیده و هوس نمودند مانند طفلی هستند که لباس بزرگ را دربر میکنند و بالاخره آنرا بر زمین مینهد اما پس از چندین دفعه سقوط و افت و خیز آنرا میکندارد.

میوه چین که میوه نارسیده را تا بهنگام بچیند بر زغری را ماند که تخم کشاورزی را در غیر زمین زراعت بنشانید -

بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۶ بزرگترین مصلح کیست نور حق را بیشتر بر آن بناید فرمود (آن خدای یگانه و معبود بیپیتا روزی دهنده من و شاست پس از ترس قهر فرزند ان خود را کشید زیرا هر آنکس که دند ان دهد نان دهد).

بعد از آن فرمود تا نژاد شما اصلاح نشود و خون بک در عروق شما جریان نیابد بعبادت نرسید باید از زنا کاری پیر هیزید و نگذارید که زن بیش از یک همسر انتخاب کند تا نسل شما محفوظ بماند و قانون توارث طبیعی و حقوقی که از نوامیس گیتی است در چار اختلال و اغتشاش نکرده. باز در اوج و تکاح گراید و بتوالد و تناسل بپردازید که من بداشتن چنین ملت حتی فرزندان سقط شده شما در مقابل همه مخلوق خدا مباحات میکنم.

فرمود تا مبنی معاش از بهترین عبادت هاست زیرا هر کس معاش ندارد معاد ندارد ولی نه از راه قمار و دزدی که راهی باطل و خطا است بلکه کسب و تجارت کنید تا مجرب خدا شوید. در هیچیک از این امور کامیاب نخواهید شد مگر آنکه سلامت خود را حفظ کنید و از عوامل مرض نگهدارید. میخوار گی روح و جسم آدمی را فرسوده میکند شراب نخورید و از این گناه شیطان پیر هیزید.

این بودند نه ای از عملیات اصلاحی پیغمبر اسلام که برای تذکره خوانندگن عزیز یاد آور شدیم که چگونه با بهترین اسلوب از عادت زشت سکوهش میکرد تخلیق باخلاق حبه در را گوشزد می ساخت تا یزدان نیکی کشور (دل) خود را از اهریمن بدی باز ستاند و سرانجام جانبداران خود را بعبادت حقیقی رساند.

همه اقرار دارند که چه چ اصلاح طلب مانند قائم مسلمانان طریق اساسی اصلاحات: ایش گرفته است و هیچ نایفه ای در این مدت کوتاه نتوانسته است باین اندازه موفق گردد که ملل جهان از نتیجه زحمات او بهره مند گردند پس جادارد که بعظمت و پیغمبری چنین کسی خستو شویم و در راه نیل باسایش دنیوی و اخروی دستورهای او را که قوانین الهی است سرمشق عملی خوب قرار دهیم.

شرکت چاپخانه تابان

بقیه از صفحه ۷

دعوت بصلح

کشتکاری که عمری شکیبائی در راه استمار آن صرف گردیده هر گاه در هنگام گرفتن بشتابزدگی بمیوه آن نارس دست ببرند بالنتیجه بدان ماند که از اصل نکشته باشند نکردن با این کردن برابر و یکسان است از حیث نتیجه و بارنج فراوان بدان ماند که از آغاز و تازه از نو بزرع بپردازد آنهم در زمین غیر قابل زرع منظور از خلافت تاجوری نبوده و نیست و آن مقصد و منظوری که در کار بود باز منتظر وضع روحی مردم است.

من اگر سخن به گویم بگویند: برای ملک حرص میزند و اگر آرام بنشینم بگویند: از مرگ میهراسد.

نفوس هنوز نضج نگرفته و رشد معنوی در آغاز تحول است افکار مالیخولیائی شهر یاری (ملوکی) تازه بدائره نبوت آمده. قلوب ثابت برقرار است.

اقدام ما بسوء تفاهم کشیده میشود. مقصد بلند انبیاء را بحسب فهم و حوصله خود تفسیر میکنند و می اندیشند که بمقاصد معمولی شبیه بوده و از این راه تداعی بر حرص دیگران میافزاید یعنی با انحطاط اخلاقی مردمان کمک میکند و خلائق از عالم حقیقت و وافق نجات دورتر میشوند و ما از سوق مردم بنجات دورتر میافتیم.

او تا دزمین هر گاه دلباختگی نشان دهند (بنابتفسیر مردم) پس دیگر مردم چه خواهند کرد.

مانده

بقیه از صفحه ۶

نهضت اسلام

بالا میبرند و هر چه اینان معجزه را بایک وضع غریبتر و عجیبتری نقل میکنند تا بیشتر در اثبات و ثبوت اثر داشته باشد دشمنان بهتر آنرا وسیله برای هو و تسخیر و دروغ بافی قرار میدهند این نظریه در دست از مردمان جزیره العرب که با اسلام مخالفت کردند و در بسیاری از پیشوایان و مبلغین تسبیحیت در قرون وسطی نفوذ داشته و بزرگترین وسیله بوده که اسلام را پیش مردم عوام مذهب خود یا بیطرفان مذاهب دیگر دروغ و خرافات جلوه دهند.

اکنون هم این مسلک (تورم عقیده) در روشنفکران بیسواد و فریفته تبلیغات غرض آلود اثر و واکنش بسیار خطرناکی دارد که آنها را در اصل اساس معجزه از طرفی و در صحت مدارک تقلبات اسلام از طرف دیگر کاملاً بشک انداخته و گاهی با اعلان انگار و اداسه و ما نام این واکنش را (تلاشی عقیده) میگذاریم و این فرمول معادله را بخاطر خوانندگان محترم برای مقالات آینده امانت میسپاریم.

(تورم عقیده) = (تلاشی عقیده)

یکدسته نسبتاً روشن تری نهضت اسلام و قیام محمد (ص) را به دعوت اسلامی یک وضعیت طبیعی فوق العاده تفسیر کرده اند بر چندوجه.

۱ - اساس این دعوت یک نهضت ملی عمومی بوده که مقصود و نتیجه آن اتحاد جامعه عرب و سیادت و سلطنت در عالم عربی بابر عالم بوده و محمد (ص) یک پیشوای ملی و زعم زبردست لایق شمار میبود که توانسته در اثر کوشش و تعلیمات خود قبائل پراکنده جزیره را دارای یک روح اتحاد نسبتاً ثابت و موثری کند.

۲ - قرآن همان خاطرات و دستورات و خطابات است که در این زمینه صادر شده.

۳ - اسلام نام ملک و وحدت عربی است که نتیجه آن سلطنت عرب در عالم بابر عالم باشد.

این نظریه در بسیاری از پیروان معاصر خود پیغمبر خوب آشکار است و یکدسته از روشن فکران عرب جاهلی بعد از برخورد با دعوت اسلامی و اخلاق پیغمبر و آیات قرآن بهمین منظور متوجه شدند و از این راه باسلام گرویدند و بنظور ایجاد وحدت ملی عرب و سیادت سلطنت در عالم و بر عالم بزرگترین فداکار بهار برای اسلام کردند

ناتمام

بقلم آقای موسی ثری

ترجمه دعای صباح

بنام خداوندی که رحمتش بی انتها و مهربانیش بی پایان است.

کسی را همیخوانم که زبان صبح را با سخنان روشن از دهان افق برآورده و قطعات تیره شب را بعالم تاریک ابهام و دیار ظلمانی زوال و نیستی فرستاده و ساختمان گردون گردان را در بهترین هندسه و زیبا ترین اندازه گیری استوار فرموده و با اشعه نور و لیب و فروزش خورشید تیغهای آفتاب را در سطح افق شرقی امتداد داده است.

کسی را همیخوانم که راهنمای بسوی ذاتش هم خود ذات او و از همجنسیت آفریده های خویش دور و بالاتر و برتر از آنست که با چگونگی های آفریده خویش همجور باشد.

کسی را همیخوانم که از راه عواطف و خاطره های دلنشین نزدیک و از باز دید دیده هادور و هر چه که هست پیش از هستیش دانا بوده است.

کسی را همیخوانم که مراد را گاهواره امن و زهار گاه امان خویش خوابانیده و برای نگرستن به بخشش و احسانهای خود بیدار ساخته و بدست توانائی دست بدانرا از دراز شدن بسوی من باز داشته است.

بار آله درود بفرست بر آن کسیکه در شب تیره و تاریک بسوی تو راهنما شده و از سببهای تو طولانی ترین رشته شرف و بزرگواری را بدست گرفته و در پاکی و شرافت نسب پشت در پشت بلندترین مقام را دارا گشته و از روز ازل در لغزشگاه ها ثابت قدم بوده است درود بفرست بر خدا یا بر اولاد او که نیکان و برگزیدگان و نیکوکارانند. ناتمام